

«بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین» زین‌العابدین شیروانی نظیره‌ای دیگری از گلستان سعدی

ابراهیم جانی^۱، مریم محمودی^{۲*}، پریسا داوری^۳، حسین آقاحسینی^۴

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

^{۲*} دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. (نویسنده مسؤول)

^۳ دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

^۴ استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

نویسنده مسؤول: Email: m.mahmoodi75@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰

چکیده

گلستان، شاهکار بی‌بدیل سعدی، از جمله کتب نثر فارسی است که در ادبیات ایران و جهان جایگاهی خاص دارد. این کتاب همواره مورد توجه همگان، به‌ویژه شعرا، ادبا قرار گرفته است و برخی از شعرا و نویسندگان این سرزمین، نظیره‌هایی بر آن خلق کرده‌اند؛ یکی از این آثار ارزنده نسخه خطی «بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین» اثر زین‌العابدین شیروانی از نویسندگان سده نهم هجری قمری در عهد تیموری است. این کتاب در یک مقدمه و سه باب عمده، به نگارش درآمده است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی فراهم آمده است و ضمن معرفی این دست نوشته، به بررسی ساختار و بعضی شباهت‌های اثر با گلستان سعدی می‌پردازد. بررسی و مطالعه نسخه نشان می‌دهد این اثر، مضمونی عرفانی و حکمی دارد و از نظر محتوا بیشتر متوجه مثنوی مولاناست اما به لحاظ ساختار، بخش‌بندی، تبویب و شیوه تنظیم، شباهت در نامگذاری، تلفیق نظم و نثر و بیان مطالب در قالب حکایت، نظیر گلستان سعدی است. استفاده از آیات و احادیث نبوی از منابع الهام بخش این اثر است. شیروانی با علم به احوال و اقوال برخی از زهاد، عرفا و متکلمین پیشین در دل برخی از حکایات به گفتار پندآموز و بعضی از زوایای زندگی و سلوک آنها اشاره کرده است.

کلیدواژه: زین‌العابدین شیروانی، بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین، نسخه خطی، گلستان، نظیره.

۱- مقدمه

آثاری چون گلستان سعدی، از دیر باز مورد توجه بسیاری از نویسندگان و شاعران پس از وی قرار گرفته است؛ چنان‌که: در این خصوص گفته‌اند: «هر کسی مایه ذوقی داشته، خواسته است بر نمط شیخ دفتری سازد یا دست‌کم سخنی پردازد و اگر فرو می‌ماند به درج و اقتباس کلمات شیخ دل را تسلی می‌داده و بر آستان افصح المتکلمین ایران از سرعجز سر می‌نهاده است». (خزائی، ۱۳۶۳: ۱۱) سعدی با نبوغ ذاتی و استعداد هنری خاص خود و با شناختی که از ظرفیت‌های کم‌نظیر زبان فارسی داشته از هنرهای کلامی بهره‌جسته و برای خلق آثار ماندگار خود از جمله، گلستان، با استفاده از قابلیت‌های بالقوه زبانی توانسته این اثر بی‌بدیل را خلق کند. شاید بتوان گفت که گلستان، نه تنها در زبان فارسی بلکه در هیچ زبانی به جهت فصاحت، بلاغت، روانی، زیبایی، دلربایی، حکمت

و معرفت مثل و ماندنی ندارد. «گلستان سعدی، پس از نگارش، مورد توجه خاص و عام قرار گرفت. این حسن شهرت موجب شد که عده‌ای در ایران، عثمانی و هند به تقلید از گلستان برخاستند و کتاب‌هایی به شیوه آن پرداختند، دبیران و مترسلان در نامه‌های خود از آن پیروی کردند و جمله‌ها و حتی الفاظ آن در حافظه‌ها جای گرفت» (بهار، ۱۳۷۲: ۱۵۶/۳). شیوه سعدی در نگارش گلستان، سرمشق بسیاری از نویسندگان و شاعران پس از وی قرار گرفت گرچه تلاش‌هایی صورت گرفت اما قله رفیع مقام سعدی دست یافتنی نبود. «گلستان سعدی مورد تقلید بسیاری از نویسندگان قرار گرفت و آثار متعددی مشابه این کتاب نوشته شد که مهم‌ترین آن‌ها بهارستان از جامی، روضه خلد نوشته مجد خوافی، پریشان تألیف میرزا حبیب‌الله شیرازی متخلص به قآنی و منشآت قائم مقام فراهانی است» (رزمجو، ۱۳۷۴: ۱۵۵). برخی دیگر از آثاری که به تقلید از گلستان نوشته شده عبارتند از: نخلستان از منشی لجمی برای متخلص به شفیق اورنگ آبادی (منزوی، ۱۳۵۲: ۷۲۷) گلستان اثر محمد شریف، متخلص به حشمت (همان: ۷۲۷). اخلاق‌الاشرف از نظام‌الدین عبید زاکانی قرن هشتم (همان: ۷۱۱). شکایت نامه محمود ذاتی قرن نهم (همان: ۷۱۳). انیس‌العاشقین اثر سید حسین ابیوردی از نویسندگان سده نهم (همان: ۷۲۱). طول عشاق از خرمی تبریزی قرن دهم. سنبلستان اثر شاه شجاع‌الدین گورکانی قرن دهم. انیس‌العاقلین از میرقاری گیلانی (به سال ۱۰۰۵). بهار دانش اثر منشی عنایت‌الله آل محمد صالح به سال ۱۰۶۱ ق در اخلاق و ادب نظیر گلستان (همان: ۷۲۱). بلبلستان از محمد فوزی متخلص به مستاری به سال ۱۱۶۰ (همان). شکرستان از منت دهلوی میرقمرالدین حسینی ۱۱۹۳ق (همان). جامع‌الاسرار از نورعلیشاه اصفهانی مقتول به سال (همان). گلستان از شوریده شیرازی عبدالوهاب فرزند علی اشرف مشهور به مدرّس زنده (همان: ۷۳۷). شکرستان از محمد علی منشی متخلص به حکیم قرن ۱۳ (همان: ۷۳۵). نگارستان مولانا معین‌الدین جوینی از عارفان بزرگ قرن هفتم و هشتم (صفا، ۱۳۸۸: ۱۲۶۸/۱). معدن‌الجواهر از ملا طرزی (همان: ۱۷۲۲/۳). زینه‌المجالس اثر مجدالدین محمد حسینی قرن یازدهم (صفا، ۱۳۹۱: ۶۹/۱). منشآت فاضل خان مشهور به امیر نظام گروسی از ادیبان و نویسندگان مقلد گلستان سعدی در دربار فتحعلی شاه (آرین پور، ۱۳۷۹: ۵۴/۱). توجه اغلب مقلدان بیشتر به ظاهر گلستان و ساختار آن معطوف بوده‌است و هرگز نتوانستند، کتابی همسنگ گلستان تألیف کنند چرا که سبک و زبان سعدی ویژگی‌هایی دارد که مقلدانش از درک آن عاجز بوده‌اند.

۱-۱- بیان مسأله

بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین از جمله آثاری است که در ساختار و ویژگی‌های ادبی به شیوه گلستان نگارش یافته است. مقاله حاضر ضمن معرفی این اثر، به برخی از شباهت‌های آن با گلستان سعدی و میزان تأثیرگذاری در سبک و روش نویسندگی و همچنین تأثیرپذیری در ساختار کتاب و در نهایت به برخی مضامین مشترک این دو اثر می‌پردازد. نسخه خطی بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین اثر زین‌العابدین شیروانی همان‌گونه که اشاره شد، این دست نوشته، مربوط به سده نهم هجری در دوره تیموری است. از نویسنده اطلاعات چندانی در دست نیست و مطالب بیان شده از خود متن نسخه استنباط گردیده و آنچه مسلم است، شیروانی به نویسندگی علاقه مند بوده و آثار نویسندگان قبل از خود را از نظر گذرانده و از آن‌ها در نگارش اثرش بهره‌ها برده است. از جمله این آثار می‌توان به مثنوی مولانا و گلستان سعدی اشاره کرد. شیروانی، گاه گاهی نیز برای گذران زندگی به صحافی کتب، تذهیب و زینت دادن به آثار از جمله کتب آسمانی می‌پرداخته و به دو تن از نوادگان تیمور ارادت داشته به گونه‌ای که کتابش را نیز به آنها تقدیم داشته است. نویسنده با دست مایه قرار دادن گلستان و به تقلید از آن، کتابش را به نگارش درآورده است. این اثر قلمی هم‌چون گلستان با آمیزه‌ای از نثر و نظم و با موضوعاتی مانند: زهد، اخلاص، انجام فرایض، دوری از بخل و حسد، گرایش به تقوا و اتصال به ابدال و نیکان نوشته شده است. نویسنده، به تبعیت از سعدی ابیاتی را که خود سروده در متن آورده و از آیات و احادیث در ضمن سخنش به شیوه درج بهره برده است. وی در نگارش اثرش، تحت تأثیر مولانا نیز بوده است.

این پژوهش برآن است یکی از نسخ خطی کهن در قرن نهم هجری قمری به نام «بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین» نوشته زین‌العابدین شیروانی را که نظیره‌ای به شیوه گلستان سعدی است، معرفی و برخی از ساختارها و ویژگی‌های مشترک بین این اثر و گلستان سعدی و بعضی از خصوصیات دیگر آن را تبیین نماید. برای پرهیز از تکرار، در ارجاعات درون متنی، به ذکر شماره صفحه نسخه در بین کمانک بسنده شده است.

۱-۲- سؤالات تحقیق

پرسش‌های مطرح در این مقاله عبارتند از:

- ۱- زین‌العابدین شیروانی در چه زمینه‌هایی از گلستان سعدی تقلید کرده است؟
- ۲- تأثیرپذیری ساختاری و محتوایی بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین از گلستان سعدی چگونه بوده است؟

۱-۳- فرضیه تحقیق

- ۱- زین‌العابدین شیروانی در بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین در همه موارد از جمله، موضوع، ساختار و محتوا، حتی باب‌بندی کتابش از سعدی تقلید کرده است.
- ۲- زین‌العابدین شیروانی در بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین در استفاده از نثر مسجع، دیباچه‌نویسی، بیان حکایات اخلاقی، استفاده از آیات و احادیث کاملاً تحت تأثیر روش سعدی در گلستان است.

۱-۴- پیشینه تحقیق

نسخه خطی بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین تاکنون تصحیح نشده و تنها پژوهش در معرفی این اثر و مؤلف آن مقاله‌ای است با عنوان «معرفی و بررسی سبک‌شناسی بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین» (۱۴۰۰) که به قلم نگارندگان این مقاله است.

۱-۵- روش تحقیق

در این پژوهش بر مبنای روش کتابخانه‌ای و سندکاوی ابتدا نسخه خطی بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین، مطالعه و شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری و محتوایی آن با گلستان سعدی استخراج شد. پس از آن با روش تطبیقی این دو اثر مقایسه شدند.

۱-۶- اهداف و ضرورت تحقیق

اهمیت و ضرورت این پژوهش از آن نظر است که اولاً یکی از نسخه‌های خطی ناشناخته معرفی می‌شود. ثانیاً بازخوانی چگونگی تأثیرپذیری، نویسنده این نسخه خطی از سبک و روش سعدی در گلستان ما را به میزان و ژرفای هنرنمایی سعدی و اهمیت او در زبان و ادبیات فارسی بیش از پیش واقف می‌کند.

۲- بحث و بررسی

بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین نسخه منحصراً به فردی است که با شماره ثبت ۴۹۳۱/۱ در کتابخانه آستان قدس رضوی متعلق به مرحوم ملک نگهداری می‌شود. این اثر در ۱۸۰ صفحه و به خط نستعلیق نگارش یافته که هر صفحه شامل ۱۷ سطر است. مؤلف در نگارش متن از مرکب سیاه و در برخی موارد از جمله سرفصل‌ها، آیات، روایات، اسامی اشخاص، حرکت گذاری آیات، اشاره به نوع قالب اشعار و فصل‌بندی‌ها از شنگرف استفاده کرده است. این دست‌نوشته دارای رکابه است و در برخی از صفحات حاشیه‌نویسی دارد و نویسنده هر جا نکته‌ای را از قلم انداخته در هامش آورده است. نوع کاغذ نسخه فستقی و نوع جلد میشن یک لای مشکی است. مؤلف، در متن کتاب به پیشه‌اش اشاره داشته و به نظر می‌رسد که پیشه او نویسندگی بوده و در کنار آن به تذهیب و تجلید آثار می‌پرداخته و سودای تزئین کتب آسمانی را در سر می‌پرورانده و می‌خواسته آن‌چه از غیب بدان اشاره شده است، در آثار خود آشکار سازد. «... روز جهت تحصیل مؤونت عیال و کسب معیشت اطفال و تدارک آدای دیوان که از هر جفای دهر دین متراکم شده بود، به اکتساب انواع صنایع

که واهب‌البدایع از کتابت و تذهیب و تجلید ارزانی فرموده بود، صرف می‌نمودم و زمانی در صحرای سودایی ترتیب تزئین مجلدات کتب آسمانی و صُحُف یزدانی اوهام و افهام را مشغول می‌ساختم تا به نوک قلم از روی مهارت، جلدی بر صفحه انواع امثال و نقوش عجیبه و اشکال و صور غریبه از مَکَمَن غیب به ظهور آوردم» (نسخه خطی برگ ۱۰). مؤلف در شأن نامگذاری کتاب بیان می‌دارد، چون آغاز نوشتن کتاب و انجام آن در فصل بهار بوده و همه جا از سبزه و گل پوشیده، عنوان کتاب خود را «بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین» نامیده است. شیروانی همان‌گونه که اشاره شد، کتابش را به دو سلطان عهد تیموری که از نوادگان و فرزندان تیمور و از ممدوحان او بوده‌اند، تقدیم کرده است و در صفحات آغازین آمده: «سلطان السلاطین، ظلّ الله فی الارضین، مغیث الاسلام ... سلطان خلیل الله جعل الله کتفه لاولیائه حرزاً حریزاً و نصرة علی اعدائه نصراً عزیزاً» (نسخه خطی برگ ۶) «... حضرت شاهزاده جهان، باسط بساط امن و امان، منبع زلال لطف لایزال، ... امیرشیرانشاه فرخ یسار، جعل الله مقرونه بالنصر والظفر» (نسخه خطی برگ ۷). «... ان شاء الله تعالی که پسندیده عین عنایت حضرتین خلدت سلطنتهما و مقبول نظر فقرا و صلحا گردد» (نسخه خطی برگ ۱۲). زین‌العابدین شیروانی در پایان نسخه، به صراحت تاریخ نگارش کتابش را ۸۷۹ ه. ق ذکر کرده و اذعان داشته که کتابت آن به دست خودش صورت گرفته است. «... فرغ من تحریر تذهیب و تجلید عاشر شهر رمضان المبارک سنه ۸۷۹ علی ید مؤلفه غفرالله له در سنه اثنی و ستین فی ثمانیه تألیف شد» (نسخه خطی برگ ۱۷۸). نسخه خطی بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین از یک دیباچه و سه باب که هریک از باب‌ها، خود به چندین فصل تقسیم می‌شود، فراهم آمده است. برای مثال باب اول شامل ده فصل و پنجاه حکایت است. باب دوم، پنج فصل و سی و پنج حکایت و باب سوم دو فصل و پانزده حکایت که در مجموع این نسخه هفده فصل و یک‌صد حکایت دارد و معمولاً هر فصل با کلمه «مثنوی یا حکایت» آغاز می‌شود. نویسنده، با بهره‌گیری از کلام آهنگین و آرایه‌های ادبی سخن خود را آراسته و با آوردن ابیاتی که سروده خود اوست بر ارزش ادبی کتابش افزوده است. بهار معتقد است که نوع ادبی گلستان مقامه است (بهار، ۱۳۸۹: ۱۲۷) هم‌چنین محمد معین و حسین خطیبی گلستان را مقامات دانستند (متینی، ۱۳۶۴: ۷۱۱). در تعریفی از مقامه آمده است، «به قصه‌های کوتاه و مستقلی گفته می‌شود که نویسنده در تمام آن‌ها راوی معین و شخص مشخص واحدی را در حالات گوناگون توصیف می‌کند و نویسنده در همه حکایات خود ماجراهای گوناگون را به شخص معین نسبت می‌دهد که این شخص، نقش قهرمان قصه‌های مختلف را دارد» (همان: ۷۱۳). معمولاً در مقامات یک راوی و یک قهرمان نقش آفرینی می‌کند که در گلستان سعدی اغلب حکایات، این راوی و قهرمان خود سعدی است و زین‌العابدین شیروانی به‌درستی به این راز ارزشمند گلستان آگاهی داشته است اما بسیاری از مقلدان سعدی آن‌را در نیافته‌اند و حتی با بررسی و تفحص در بهارستان که از مشهورترین کتاب‌هایی است که به تقلید از گلستان سعدی فراهم آمده است، می‌بینیم که جامی عنوان و ابواب کتابش را به مانند گلستان آورده است اما بهارستان مجموعه‌ای از حکایات گذشتگان و شرح حال شاعران و... بیش نیست و در حکایات قهرمانان آن ثابت نیستند، چه رسد به این‌که قهرمان یا راوی خود عبدالرحمان جامی باشد (رک. جامی ۱۳۷۱: ۱۲۲-۲۴) اما زین‌العابدین به تبعیت از گلستان سعدی، ضمن آوردن حکایاتی از گذشتگان، عارفان و بزرگان دین در بسیاری از حکایات خود به عنوان راوی حضور دارد و همین امر موجب شده است که ساختار کتاب وی بیشتر از آن‌چه در گلستان مشاهده می‌شود، یادآور ساختار گلستان سعدی باشد. در ادامه به موارد دیگر تأثیر پذیری این کتاب از گلستان سعدی اشاره می‌شود.

۱-۲- تأثیر پذیری در سبک و روش نویسندگی

۱-۱-۲- دیباچه

گلستان سعدی با نثری آهنگین، گوش نواز، زیبا و روان بیش از هفت قرن است که با ذهن و زبان ما پیوند دارد به‌ویژه دیباچه آن که سرشار از معانی لطیف و حکمت آمیز به مانند شعری خوش ترکیب و دلنواز همواره در خاطره‌ها جاودانه مانده است. «بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین» همچون گلستان سعدی با یک دیباچه آغاز می‌شود و مانند رسم رایج در آثار ادبی، صفحات آغازین به حمد و ستایش الهی و نعت و منقبت پیامبر اسلام (ص)، اولاد، اصحاب و احباب او اختصاص دارد. مؤلف، در ابواب سه گانه به ویژه در دیباچه اثر، تأثیر عمیقی از گلستان پذیرفته و مطابق ذوق و قریحه خود گل‌هایی

از باغ گلستان برچیده و آن را در گلستان و بوستان خود کاشته است. گاه این اقتباس از گلستان با تضمین بیتی از شیخ اجل صورت گرفته که به آن‌ها اشاره خواهد شد. شیروانی عبارات دلنشین این بخش را به صناعات ادبی آراسته است.

حمد و ثنا خالق زمین و زمان را صانع بی‌آلت همین و همان را
حکمت او در نگار سبز گرفته هم‌چو عروسان سبز سرو چمان را (نسخه خطی برگ ۱)

در نعت پیامبر اسلام (ص) آورده: «مقصود آفرینش افلاک و مشرف به تاج لَولاک، خلاصه اصفیا، محمد مصطفی صلوات الله علیه که حامل لوی رسالت و امین اسرار شغل نبوت است و بر اولاد و اصحاب و احباب و اشباح پاک آن حضرت و اولیای او که سالکان مسالک حقیقت و مقتدایان ممالک طریقت و پیشوایان عالم شریعت‌اند، واصل باد» (نسخه خطی برگ ۱). در ادامه دیباچه کتاب می‌خوانیم: [یک] شب تأمل محاسبه فکر معاد می‌نمودم و بعد از فراغ صلات و ملاحظه کلام مُحیی الموت، مطالعه سیر مشایخ و مثنوی حضرت مولوی - قَدَسَ سِرُّهُ - می‌کردم؛ خاطر را رغبتی و دل را شَعَفی پدیدار آمد که از مسیر اولیا و احوال ایشان که زاهدان سجاده‌نشین و عابدان پاکدین و عارفان خداشناس و صوفیان خضرلباس، پاکبازان فلک‌سوار و شاهبازان ملک‌شکارند.

ساکنان سُرادق جبروت همنشینان خطه ملکوت
شاهبازان آشیانه قدس پرده‌داران بارخانه انس (نسخه خطی برگ ۱۱)

بی‌شک این عبارات، یادآور این جملات نخست دیباچه گلستان است: «یک شب تأمل ایام گذشته می‌کردم و بر عمر تلف کرده تأسف می‌خوردم و سنگ سراج دل به الماس آب دیده می‌سُفتم.... مصلحت چنان دیدم که در نشیمن عزلت نشینم و دامن صحبت فراهم چینم و دفتر از گفتگوهای پریشان بشویم و من بعد، پریشان نگویم. گفتم گل بستان را چنان که دانی بقایی و عهد گلستان را وفایی نباشد و حکما گفته‌اند: «هرچه نپاید، دلبستگی را نشاید» (سعدی، ۱۳۸۴: ۱۹). سعدی سبب تألیف گلستان را این‌گونه بیان می‌کند: «گفتم: برای تَرْهَتِ ناظران و فَصَحَتِ حاضران کتاب گلستان توانم تصنیف کردن که باد خزان را بر ورق او دست تپاول نباشد و گردش زمان، عیشِ ربیعش را به طیشِ خریف، مبدل نکند» (همان). زین‌العابدین شیروانی نیز در این زمینه چنین می‌نویسد: ... گفتم، حکایاتی در سلک کفایت کشم که یادگار را ملحوظ نظر ارباب بصیرت گردد و طالبان سلوک این مسالک را در افزودن طاعت و ترک معصیت رغبت زیادت شود» (نسخه خطی برگ ۱۱).

۲-۱-۲- آمیختگی نثر و نظم

شیوه تلفیق نثر با نظم معمولاً در همه نظیره‌های گلستان به چشم می‌خورد. اغلب مؤلفان با استفاده از کلام آهنگین (انواع سجع) و دیگر صناعات ادبی، سخن خود را آراسته‌اند. این شیوه نگارش در ادبیات فارسی پیش از سعدی هم رایج بوده است اما رعایت تناسب میان نثر و نظم و چگونگی بهره‌گیری از شعر در درون متن چنان‌که بر تاثیر سخن و گیرایی کلام بیفزاید و ملال خستگی را برطرف کند، البته کمتر دیده می‌شود. نمونه چنین روشی را در کلیله و دمنه و پس از آن در گلستان می‌بینیم. در گلستان ۱۱۰۲ بیت شعر شامل ۵۹۰ مورد در لابلای حدود ۱۹۲۰ سطر نثر گنجانده شده است. به قول ملک‌الشعرا بهار «صورت هر حکایت را به نثر و نظم چنان آراسته است که هیچ یک نپذیرد ز یکدیگر نقصان» (بهار، ۱۳۷۲: ۱۲۸/۲). بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین چونان گلستان سعدی آمیزه‌ای از نثر و نظم است با این تفاوت که همه اشعاری که ضمن نثر آمده از خود نویسنده نیست ولی هر جا ابیات متعلق به اوست با ذکر «لمؤلفه» آن را مشخص کرده است. نثر این نسخه خطی، مسجع و به شیوه گلستان نگارش یافته است. هرچند نثر کتاب اغلب مسجع و آهنگین است اما دشواری‌های لفظی ندارد.

«آن مست بحار صمدانی ابراهیم شیبانی-رحمه الله علیه- که از اقطاب اولیا بود، گوید: که مَلِکی بود از لباس ایمان عور و از زمرة اسلامیان دور؛ جام ظلمت کفر نوشیده و خلعت ضلالت و نفاق پوشیده، او را پسری بود به هدایت و عنایت حق واصل و مشرب او را تراب شوق حاصل. لمؤلفه:

مست از شراب وحدت حق بود آن پسر	مستغرق هدایت حق گشت سر به سر
فارغ ز مال و ملک و ز غوغای سلطنت	ایمن ز های و هوی رعایای مملکت» (نسخه خطی برگ ۵۱)

یا این حکایت: «گویند: دو پسر بودند هردو کرامت یافته و به درجه هدایت رسیده در اثنای مسافرت به دیهی رسیدند؛ شخصی ایشان را ضیافت نمود و به رسم، ماحضر بیضه به عسل پخته برخوان نهاد. یکی متابعت نفس کرد و دیگری بر خلاف او، نفس را مقهور ساخت. چون از دارالضیف بیرون آمدند و بر کرانه آب رسیدند، تابع نفس چون قدم بر روی آب نهاد، غرق شد و مانع آرزوی نفس، به قدم اخلاص از آب عبور کرد. همان شب شیخ خود را به خواب دید که گفت: ای فرزند، او آرزوخواه شکم پرست بود نه خدای پرست. لمؤلفه:

گر تو در بند آرزو باشی	در پرستش دروغ‌گو باشی
چون تو گردی شکم‌پرست چون دیو	حق‌پرستان کنند بر تو غریو
در پرستش مطیع نفس مشو	در پی آرزوی نفس مرو
ناگهان چون شکم‌پرست هوا	نشوی غرقه چون منی در ما
جهدکن کز شکست نفسانی	آب دریابه زیرپا آری» (نسخه خطی برگ ۵۹)

اشعاری که نویسنده ضمن نثر در این اثر آورده، کارکردهای مختلفی دارد. از جمله:

۲-۱-۳- نتیجه اخلاقی حکایت و تأکید بر موضوع آن

گاهی در بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین ابیاتی که آمده برای بیان نتیجه اخلاقی حکایت است مانند: «بقنه بن ولید می‌گوید: بعد از آن‌که ابراهیم آدهم دست همت بر اسباب سلطنت افشاند و به قدم توبه و اخلاص، مرکب در صحرای معرفت راند، مرا آرزوی سعادت ملاقات او پدید آمد و در اثنای طلب در زمین مگه بدو رسیدم و او را دیدم به ادب پیش رفتم و سلام کردم. گفتم: مرا از انفاس شریفه خود فایده بخش. گفت: ای بقنه، دست از اخلاص و صدق باز مدار و از فتراک توبه قدم برگیر که من این درجه از آن یافته‌ام.» لمؤلفه»

توبه کن ای صرفِ عمرت در گناه	تا نگردي در گنه خوار و تباه
صدق و اخلاصت شود چون نردبان	بر روی هفتم آسمان
اندرآیی در صف مردان پاک	گر شوی در راه مردان پاک خاک
تا تو هستی غرق این ما و منی	کی رسی ز این ظلمت اندر روشنی» (نسخه خطی برگ ۲۶)

۲-۱-۴- خلاصه مضامین اصلی حکایت

زین‌العابدین شیروانی گاهی خلاصه‌ای از حکایت را در قالب ابیاتی که پس از آن آمده بیان کرده است: «پیرزنی پیش خواجه حسن بصری -علیه الرّحمه- آمد و گفت: ای امام مسلمانان، مرا دختری هست و سال‌هاست که می‌گرید؛ می‌ترسم که نابینا شود، بیا او را پندی ده مگر ترک گریه کند. خواجه حسن به نزدیک دختر آمد؛ او را دید که در خانه‌ای تاریک نشسته و زار زار می‌گریست؛ گفت: ای دختر، چرا چندین بی‌موجبی دائمی گریه می‌کنی؟ که

مادر تو از این سبب غمناک است. چشم‌های تو از این گریه نابینا می‌شود. دختر گفت: ای شیخ، از دو حال بیرون نیست و اگر این چشم لایق رؤیت جمال حق نیست، پس صدهزار جان و چشم من فدای دیدار حق تعالی باد و اگر لایق این سعادت نیست پس کور باد. «المؤلفه»

دیده که او لایق آن روی نیست
دل که نباشد ز غم دوست شاد

ظلمت او خوب‌تر از روشنی است
در دل او بهجت و شادی مباد (نسخه خطی برگ ۱۲۹)

۲-۱-۵- کامل‌کننده‌گفتگوی شخصیت‌ها

گاهی ابیاتی که بعد از حکایت می‌آید آن را تکمیل می‌کند: «عیسی-علیه السلام- گفت: «تو را در این بیابان تنها می‌بینم. تعهد تو که می‌کند؟ گفت: آن‌که هفت آسمان را معلق بی‌ستون و سلسله می‌دارد، مرا نیز بی‌وسیله می‌تواند که نگه داشتن. بیت:

یا دوست گزین کمال یا جان
یک خانه دو میهمان نگنجد» (نسخه خطی برگ ۱۴۰)

بیت متعلق به سعدی است که نویسنده به زیبایی به شیوه تضمین از آن بهره برده است.

۲-۱-۶- نثر مسجع

سعدی، با موازین سجع و موازنه در علوم بلاغی کاملاً آشناست. او به شیوه بیان در آفرینش اثر ادبی بر پایه سجع و موازنه بها می‌دهد؛ با ترکیب نثر مرسل و موزون و آوردن جملات با قرینه‌سازی آهنگین متن گلستان را می‌آراید. سجع‌هایی می‌آفریند که مختص گلستان اوست. زین‌العابدین نیز در بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین به پیروی از سعدی، با شناختی که در اهمیت بکارگیری سخنان موزون و مسجع داشته و با درک ارزش معنا و مفهوم سخن و ایجاد مطلوب هنری، از سجع بهره برده است که این امر برجسته‌های موسیقایی و زیباشناسی اثر افزوده است. نگاه زین‌العابدین به نثر مسجع، نگاهی هنری و ادیبانه و خلاقانه است و بر پایه معیارهای فصاحت و بلاغت شکل گرفته است.

«چون توفیق باری -عزَّ اسمُه- رفیق این فقیر شد و از پیدایی ضلالت و خفای ظلمات کتابت سیاق مستخلص ساخته در کُنج بیت الاحزان و گوشه فقر بین الاقران منزوی گردانید و انامل این شکسته را از قبض اقسام ارقام خطوط نامخلوط، محاسبات دنیوی به مصاحبت خامه گهربار کتابت کتب آسمانی و صُحف سبحانی، تشریف کرامت ارزانی فرمود» (نسخه خطی برگ ۶). یا این عبارت: «بالضروره گاه در پیدایی نقوش مختلف سیران می‌نمودم و اشکال اطراح شمسه گردون لاجوردی و سایر سیارات زرنکار بر اوراق صحایف مصاحف می‌پرداختم و اعلام مشرفات در حواشی و اطراف الواح می‌افراختم» (نسخه خطی برگ ۱۰).

۲-۱-۷- بهره بردن از قرآن و حدیث

پیشینه کاربرد و اثرپذیری سخنوران پارسی از قرآن و حدیث به آغاز پیدایش شعر فارسی یعنی نیمه‌های سده سوم می‌رسد تجلی قرآن و حدیث در متون فارسی بخصوص در قرن هفتم و هشتم گسترش روز افزون می‌یابد و در آثار بسیاری از شاعران از جمله سعدی و به‌ویژه مولانا به اوج می‌رسد. از جمله عواملی که باعث پیوند آثار فارسی با قرآن و حدیث گردید؛ عبارتند از: «الف) ادب فارسی در خدمت تبلیغ دین قرار گرفت؛ کاری که ناصر خسرو در سده پنجم انجام داد. ب) برخی آن‌را قاب و قالب و عظم و پند و اخلاق قراردادند مانند: جمال الدین عبدالرزاق، سنایی، عطار، مولوی و سعدی که به وفور از آن استفاده کردند. ج) گاهی جلوه‌گاه عرفان و تصوّف شد. کاری که سنایی، عطار، مولوی و حافظ به زیبایی و ظرافت کردند» (راستگو، ۱۳۷۶: ۷).

سعدی شیرازی به روش‌های مختلف در آثار خود بخصوص در گلستان از قرآن و حدیث بهره برده است. وی گاهی بخشی از آیه یا حدیث و گاه به معنی و مفهوم آن‌ها اشاره می‌کند. زمانی کلام خود را با تلمیح و اشاره‌ای به یک واژه و یا داستان قرآنی می‌آراید.

بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین، همان‌گونه که اشاره شد محتوایی عرفانی و حکمی دارد. بنابراین از منابع الهام‌بخش مانند قرآن و حدیث بهره‌مند شده است. مؤلف، با پیروی از سبک سعدی برای بیان و تفهیم پیام‌های اخلاقی در لابلای حکایات به این منابع استناد کرده است. وی در استفاده از آیات و روایات، تحت تأثیر آثار عرفانی، خاصه مولاناست. حضرت سلطان شریعت -علیه السلام- فرموده است: «الدُّنْيَا سَجْنُ الْمُؤْمِنِ» از زندان چه آورند جز از جامهٔ چرکین و موی دراز و خرقة پر از گزنده و وام بسیار؟ محل رحمت توست که اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ... القصه، اسلامیان بر حسب مدلول قوله تعالی: وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا. [عنکبوت/۶۹] غایت سعی و اجتهاد به تقدیم می‌رسانیدند (نسخه خطی برگ ۱۴۸). منزهی که اوهام بشری و افکار اسرار ملکی به کُنه ذات و اسرار صفات او محیط نشود و از تجلّی نور معرفت او طور موسی مضطرب گردد (نسخه خطی برگ ۲).

تا آن‌که او را دعوت ارجعی الی ربک. [فجر/۲۸] در رسیدن بر بالین وی نشست بودم. (نسخه خطی برگ ۶۶)

از حضرت امیرالمومنین علی -علیه السلام- روایت کنند که گفت: در سیمای مرد پارسا سه چیز باشد. یکی زردی روی از بیداری شب، تری چشم از گریستن برگناه و خشکی لب از روزه داشتن. لمؤلفه:

زردی رخسار و آه سوزناک	دیده گریان و بیداری شب
چرک شرکت را کند مجموع پاک» (نسخه خطی برگ ۱۰۳)	کز سر اخلاص آید در عمل

۲-۱-۸- سادگی آرایه‌ها و تشبیهات

سخن سعدی علاوه بر سادگی کلام، از صراحت برخوردار است. تشبیه‌ها، استعاره‌ها، مجازها و کنایه‌های او از ابهام به دور است. وی در آثار خود به‌ویژه گلستان، در کاربرد صناعات ادبی زیاده روی نکرده است. تشبیهات وی در عین هنری بودن، ساده و دلنشین است. زین‌العابدین نیز چونان سعدی در کاربرد آرایه‌های ادبی راه افراط نرفته و خود را درگیر آرایه‌های دشوار و صنایع تکلف آمیز نکرده است و آرایه‌ها و تشبیهات او نزدیک به ذهن و قابل فهم است.

کعبه دل را طلب ای مرد راه	تا ببینی کعبه را بر در چو ماه (نسخه خطی برگ ۸۹)
---------------------------	---

یا این ابیات در وصف پیامبر اسلام (ص):

آن‌که نمودی به زخم ناوک انگشت	از سر ماه چهارده دو کمان را
عکس جمالش که لاله زار الهی است	صبغت گلزار داده برگ خزان را (نسخه خطی برگ ۲)

یا در مدح سلطان شیران‌شاه تیموری

بازوی حق است، پشت خلق و روی سلطنت	قالب اقبال و روح ملک و قلب لشکر است (نسخه خطی برگ ۶)
-----------------------------------	--

۲-۲- تأثیر پذیری در ساختار کتاب

۲-۲-۱- عنوان و زمان نگارش اثر

نخستین مطلبی که در مقایسهٔ بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین با گلستان سعدی قابل تأمل است، نام اثر است که الهام گرفته از بوستان و گلستان سعدی است و مؤلف، علّت نامگذاری کتاب را هم‌زمانی با بهار عنوان می‌کند و می‌گوید: «چون افتتاح و اختتام این ابواب و فصول در فصلی بود که بستانی بی‌دهان در خنده و آبی بی‌دیدگان در گریه بود و گلستان رزمهٔ گل و ارغوان بازکرده و عندلیب گوشهٔ رباب تاب داده، لمؤلفه:

مه نوروژ و فصل دولت گُل	شده منطق‌سرا در باغ بلبل
به سنبل گشته واصل نافه چین	به بلبل گشته مایل برگ نسرین
به روی عامل گل نقش خورشید	به دست خازن دل جام جمشید
نهان گنج زر اندر کاخ گل بود	هزاران غنج اندر شاخ گل بود

به بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین موسوم شد. (نسخه خطی برگ ۱۲).

سعدی نیز در دیباچه، ماجرای نگارش گلستان را این گونه بیان می‌دارد و می‌نویسد. «یکی از دوستان که در کجاوه انیس من بود و در حجره جلیس، گفت:

کنونت که امکان گفتار هست	بگو ای برادر به لطف و خوشی
که فردا چو پیک اجل در رسد	به حکم ضرورت زبان در کشی

... به حکم ضرورت سخن گفتم و تفرّج کنان بیرون رفتیم در فصل ربیع که صولت برد آرمیده بود و ایام دولت ورد رسیده.

پیراهن برگ بر درختان	چون جامه عید نیکبختان
اول اردیبهشت ماه جلالی	بلبل گوینده بر منابر قضبان
بر گل سرخ از نم اوفتاده لالی	همچو عرق بر عذار شاهد غضبان

... فی‌الجمله، هنوز از گل بستان بقیتی موجود بود که کتاب گلستان تمام شد» (سعدی، ۱۳۸۴: ۳۱).

۲-۲-۲- معرفی نویسنده در مقدمه

سعدی در دیباچه، این‌گونه خود را معرفی می‌کند: «ذکر جمیل سعدی که در افواه عوام افتاده است و صیت سخنش که در بسط زمین رفته» (سعدی، ۱۳۸۴: ۱۳). زین‌العابدین نیز در مقدمه کتاب، به معرفی خود پرداخته و می‌گوید: «متوقد این شمع و مترتب این جمع، تراب اقدام صلحاء و فقرا. خاک راه زمره اهل یقین بنده بیچاره زین‌العابدین» (نسخه خطی برگ ۴)

۲-۲-۳- حکایت‌پردازی

سعدی با پردازش حکایت‌های قهرمان‌محور در فضایی واقع‌گرایانه، هر انسانی را قهرمان روایت زندگی خود معرفی می‌کند و از ژانر قهرمانانه در جهت اهداف ادبیات تعلیمی بهره می‌برد. هفت باب اول گلستان دارای حکایت‌های متنوع است و باب هشتم نیز در واقع نتیجه سخنان وی در حکایات باب‌های پیشین است، بدون اینکه حکایتی نقل شده باشد. برخی حکایات، مانند جدال سعدی با مدعی و مشت زن، بلند است؛ اما اغلب حکایت‌های این کتاب کوتاه است و غالباً با آوردن ابیاتی و یا عباراتی که شامل نتیجه‌گیری است، پایان می‌یابد. گاهی این حکایات به تمامی، به شعر بیان شده است. سعدی، با ذوق هنری خود، حکایات گلستان را با جنبه‌های ادبی در هم آمیخته است. بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین نثر آمیخته به نظم و به طرز گلستان در قالب حکایاتی پندآموز که ارکان اصلی آن را تشکیل می‌دهد، به نگارش درآمده است. این اثر دربردارنده یکصد حکایت است و مطالب این دست‌نوشته در قالب حکایاتی نوشته شده که اغلب آن‌ها کوتاه است و جنبه داستانی دارد و از نظر ساختار به گلستان شبیه است. این اثر نمونه‌ای از ادبیات داستانی در

متون نثر ادب فارسی به شمار می‌رود که نویسنده در آن به شرح زندگی، اقوال عرفا، مشایخ، بزرگان و بیان اندیشه‌ها و آموزه‌های آن‌ها به صورت موجز و قابل فهم، می‌پردازد. بنابراین می‌توان گفت که مضمون اخلاقی در این دست نوشته و لحن صوفیانه آن از شاخصه‌های مهم این اثر محسوب می‌شود. «آوده‌اند که روزی ابومطیع بلخی، حاتم را گفت: می‌شنوم که سفرها می‌کنی بی زاد و راحله و بی مرافق و قافله. چگونه است؟ مرا بیان کن. گفت: به چهار چیز توکل بر عنایت حق می‌نمایم. اول: آن‌که همه دنیا را مملکت خداوند خود می‌بینم. دوم: همه خلق را بنده حق می‌دانم. سیم: اسباب رزق به فرمان وی می‌بینم. چهارم: هرکجا می‌باشم، خود را در حکم و قضای او می‌دانم. گفتم: کسی را که این زاد و راحله باشد، قطع منازل و مراحل بر او آسان گردد و دائم در حفظ ایزدی و صیانت سرمدی ماند «ل مؤلفه»

چه خوف باشد از حق ز خوف غیر حیات اگر چه کام بلاست خورد نهنگ آسا (نسخه خطی برگ ۴۰)

یا این حکایت: «آن شهسوار میادین کرم، ابراهیم ادهم، -رحمه الله علیه- وقتی قصد حج کرد چون به کنار بادیه رسید با تن خویش گفت: همه کس به قدم این راه می‌روند؛ مرد آن باشد که به خانه دوست خویش، به دیده رود. بیت:

شرط است که چون در حرم عشق آبی زان پیش که پای در نهی، سر بینی» (نسخه خطی برگ ۳۳)

۲-۳- مضامین مشترک

۲-۳-۱- تاکید برخاموشی با تضمین شعری از سعدی

در بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین آمده است: «گویند، امیری بود. پسر خود را پیش ادیب فرستاد. بعد از آن که به حد بلوغ رسید و به انواع فضایل و خصایل حسنه مخصوص گشت، روزی از ادیب پرسید: چه چیز است سبب سلامت دنیا و عقبی؟ ادیب فرمود که خموشی. شعر:

به پیری رسیدم در اقصای یونان	بدو گفتم ای آن که با عقل و هوشی
ز مردم چه بهتر به هر حال؟ گفتا	خموشی خموشی خموشی
"زبان بریده به گنجی نشسته صم بکم	به از کسی که نباشد زبانش اندر حکم" (نسخه خطی برگ ۱۵۲)

پسر سخن ادیب را چون درّ یتیم در گوش گرفت و خاموش شد» (نسخه خطی برگ ۱۵۲).

و سعدی می‌گوید: «بازرگانی را هزار دینار خسارت افتاد، پسر را گفت: نباید که این سخن با کسی در میان نهی. گفت: ای پدر، فرمان تو راست، نگویم ولیکن خواهم مرا بر فایده این مطلع گردانی که مصلحت در نهان داشتن چیست؟ گفت: تا مصیبت دو نشود، یکی نقصان مایه و دیگر شماتت همسایه.

مگوی اندوه خویش با دشمنان که لاحول گویند شادی کنان» (سعدی، ۱۳۸۴: ۳۱۶)

۲-۳-۲- در مذمت و بی وفایی دنیا

سعدی، مانند بسیاری از شاعران و نویسندگان ادب فارسی بر ناپایداری و تکیه نکردن به ایام و کوتاهی عمر تأکید کرده است و اعتقاد دارد، چند روزی دنیا نوبت ماست و به دیگران خواهد رسید.

چنان‌که دست به دست آمده است، مُلک دنیا به دست‌های دگر هم‌چنین بخواد رفت (سعدی، ۱۳۸۴: ۱۲۰)

یا این ابیات

جهان ای برادر نماند به کس دل اندر جهان آفرین بند و بس
مکن تکیه برملک دنیا و پشت که بسیار کس چون تو پرورد و گشت (سعدی، ۱۳۸۴: ۴۹)

زین‌العابدین شیروانی دنیا را عجزه‌ای می‌داند که نیرنگ باز و بی وفاست و معتقد است هیچ‌کس به واسطه دنیا به جایی نرسیده و منفعتی ندیده است. «براین عجزه دنیا و خدیعت این بی‌وفا مغرور مشو که از او هیچ آفریده به مقصود نرسیده است و غیر از ندامت منفعتی ندیده» (نسخه خطی برگ ۲۲).
یا این ابیات:

درگذر زاین سرای بی سرو بُن پیش از این اندر او قرار مکن
که گرت عمر می‌رسد به هزار عاقبت می‌شوی اسیر مزار (نسخه خطی برگ ۱۴۱)

۲-۳-۳- دعوت به دهش و بخشندگی

این موضوع در بیشتر آثار ادب فارسی به چشم می‌خورد و سعدی در باره اهمیت بخشش بیان می‌کند: «حکیمی را پرسیدند: از سخاوت و شجاعت کدام بهتر است؟ گفت آن‌را که سخاوت است به شجاعت حاجت نیست.

نماند حاتم طایی ولیک تا به ابد بماند نام بلندش به نیکویی مشهور
زکات مال، به‌درکن که فضل ز را چو باغبان بزند، بیشتر دهد انگور
نبشته است بر گورِ بهرام گور که دستِ کرم به ز بازوی زور» (سعدی، ۱۳۸۴: ۲۳۶)

زین‌العابدین شیروانی در حکایت زیر به موضوع عفو و بخشش اشاره دارد و دیگران را به آن سفارش می‌کند و می‌گوید: «...فرمود که عفو کردم و تو را از مال خود آزاد کردم. غلام گفت: «والله يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ». امیر گفت: چهارصد دینار زرت بخشیدم تا بدان معیشت نمایی. لمؤلفه:

چنین کردند نیکان زندگانی سبک روحان رمیدند از گرانی
شنودی ای پسر حرفی ز جودش که چون با محرمان الطاف بودش
تو هم از رنگ او نقشی برانگیز ز طور طرح او طوقی درآویز (نسخه خطی برگ ۸۱)

نتیجه‌گیری

نسخه خطی بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین از آثار بازمانده سده نهم هجری است. متن اثر شامل یک دیباچه، سه باب، هفده فصل و یک‌صد حکایت است. مؤلف، زین‌العابدین شیروانی، در نگارش این اثر، از مولانا و سعدی الهام گرفته است و کتاب‌های ادبی قبل از خود از جمله مثنوی معنوی و گلستان را از نظر گذرانده و با تأسی به این دو کتاب ارزشمند بخصوص گلستان سعدی به لحاظ آمیختگی نثر و نظم و تبویب و مسائل متعالی تربیتی و اخلاقی و هم‌چنین بیان سلوک و رفتار عارفان و بزرگان در قالب حکایاتی زیبا و کم نظیر این اثر را خلق کرده است. سعدی برای اثر خویش اسم ادبی گلستان را برگزیده، زین‌العابدین شیروانی، به تقلید از او، اثرش را بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین نامیده و به پیروی از گلستان سعدی که زمان نگارش اثر را در مقدمه بیان کرده، فصل نوشتن اثر خود را در دیباچه آورده است. نثر این کتاب، همانند گلستان، آمیخته به نظم است و مؤلف از ابیات فارسی خود و دیگر شاعران به عنوان شاهد استفاده کرده است. اشعاری که در ضمن حکایات به سبک و سیاق گلستان آورده، اغلب از خود اوست و با کلمه «لمؤلفه» شاخص شده‌است که از امتیازات این نسخه خطی به شمار می‌رود. در این اثر نیز مانند گلستان به آیات قرآن، احادیث نبوی و ضرب‌المثل‌های عربی، فارسی استشهد شده است. نویسنده، از آیات و احادیث نیز به شیوه درج در کلامش سود جسته و سخن را بدان آراسته است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای، قم: اسوه.
۲. آرین پور، یحیی (۱۳۷۹). از صبا تا نیما، چاپ هفتم، تهران: زوار.
۳. بهار، محمدتقی (۱۳۷۲). سبک شناسی، ۳ جلد، تهران: امیرکبیر.
۴. _____، _____ (۱۳۸۹). سبک شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی، چاپ دهم، تهران: امیرکبیر.
۵. جامی، عبدالرحمن (۱۳۷۱). بهارستان، به تصحیح اسماعیل حاکمی، چاپ دوم، تهران: اطلاعات.
۶. راستگو، سید محمد (۱۳۷۶). تجلّی قرآن و حدیث در شعر فارسی، تهران: سمت.
۷. رزمجو حسین (۱۳۷۴). انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، چاپ سوم، مشهد: آستان قدس رضوی.
۸. خزائلی، محمد (۱۳۶۳). شرح گلستان سعدی، چاپ پنجم، تهران: جاویدان.
۹. شیروانی، زین‌العابدین (۸۷۹ ه. ق.). نسخه خطی بستان‌العارفین و گلستان‌العابدین کتابخانه ملک، شماره نسخه ۱/۴۹۳۱، آستان قدس رضوی، مشهد.
۱۰. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۸). تاریخ ادبیات در ایران، جلد دوم، تهران: فردوس.
۱۱. _____، _____ (۱۳۹۱). گنجینه سخن، چاپ هفتم، تهران: فردوس.
۱۲. گلستان، سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۸۴). به کوشش خطیب رهبر، چاپ هفدهم، تهران: صفی‌علیشاه.
۱۳. متینی، جلال (۱۳۶۴). مقامه‌ای منظوم به زبان فارسی، ایران نامه، شماره ۱۲، صفحه ۷۰۵-۷۳۲.
۱۴. منزوی، احمد (۱۳۵۲). تتبع در گلستان سعدی، مجله وحید، دوره یازدهم، شماره ۳/۴، صفحه ۷۳۷-۷۱۷.

Introduction manuscript of “Bostan Al-Arefin and Golestan Al-Abedin” Zinal Abedin Shirvani, a parallel to Golestan from Saadi

Ebrahim Jani¹, Maryam Mahmoudi², Parisa Davari³, Hossein Aghahosseini⁴

¹PhD student of Persian language and literature, Islamic Azad University, Dehaghan Branch, Dehaghan, Iran

²*Associate Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Dehaghan Branch, Dehaghan, Iran.

(Responsible author)

³Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Dehaghan Branch, Dehaghan, Iran.

⁴Professor of Persian Language and Literature, Isfahan University, Isfahan, Iran.

Email: m.mahmoodi75@yahoo.com (Responsible author)

Abstract

The manuscripts left over from past times, are a valuable ethnic and national heritage and a cultural identity of nations, and can provide extensive information on the conduct, thought, intellectual and linguistic structure of past writers and poets, and add to current human consciousness. One of these valuable works is The manuscript of Bostan Al-Arefin and Golestan Al-Abedin of Shirvani, the work of the writers of the ninth century AH and the Timurid era. The author has written it in an introduction and three chapters, each of which has been divided into several chapters. Although this work has a mystical and verdict content and is more focused on Rumi's Masnavi, it is like Golestan Saadi, in terms of structure, segmentation, partition and method of regulation. Similarity in naming and also the combination of order and prose and the expression of content in the form of anecdotes. The use of the word of revelation and prophetic hadiths is one of the inspiring sources of this work. Shirvani, aware of the condition and sayings of some sages and mystics and theologians of the past, in the heart of some anecdotes, has referred to wise saying and some of the aspects of their lives and behavior. The author has written verses from his own language and identified them with the word "component", which is one of the key advantages of this work. This research is a documentary-library and descriptive and has been implemented with the aim of introducing this manuscript and investigating its structure and similarities to Golestan from Saadi.

Keywords: Shirvani, Bostan Al-Arefin and Golestan Al-Abedin, Manuscript, Golestan, mysticism.